



انترناسیونال

۱۱۵

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۴ آذر ۱۳۸۴، ۲۵ نوامبر ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی



گزارش آذر مآجدی

رئیس دفتر سیاسی به پلنوم ۲۴

قدرت گیری حزب کمونیست کارگری، گره گاهای اصلی

داد. در مبحث گزارش من میخواهم درباره آینده و گره گاه هایی که در صفحه ۴

فعالیت های حزب در چندماه اخیر ارائه دهم. خوشبختانه اصغر کریمی گزارش مفصلي در این رابطه ارائه

این متن بر مبنای گزارش شفاهی به پلنوم ۲۴ تهیه شده است. رفقا، من قصد ندارم گزارشی از



اولویتهای رهبری حزب

گفتگو با حمید تقوایی

انقلاب آتی ایران را بررسی کردند. سند وظایف و اولویتهای توسط حمید تقوایی به پلنوم ارائه شد و به اتفاق آرا تصویب شد. در گفتگویی با حمید تقوایی به جنبه هایی از پلنوم و سند اولویتهای میپردازیم.

در باره سند اولویتهای دوره ای رهبری حزب مصوب پلنوم ۲۴

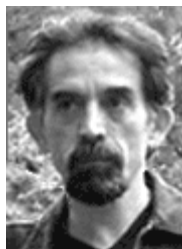
پلنوم وسیع حزب کمونیست کارگری در تاریخ ۱۲ و ۱۳ نوامبر با شرکت بیش از ۱۲۰ نفر از اعضای کمیته مرکزی و مشاورین و کادرهای حزب تشکیل شد. در این پلنوم نسلی از کمونیستهای با سابقه در کنار نسلی از کمونیستهای جوان اولویتهای دوره آتی حزب را مورد بحث قرار دادند. راههای پیشروی حزب، قدرتمند شدن و تبدیل شدن به نیروی رهبری

انترناسیونال: "حزب نه در خلاء بلکه در حین مبارزه ساخته میشود و صورت مساله ما تقویت و تحکیم و گسترش يك حزب درگیر و موثر و شناخته شده و دخالته در تحولات سیاسی در ایران و در عرصه جهانی است. این نقطه عزیمت و خط راهنمای تعیین اولویتهای رهبری در این دوره فعالیت حزب است. این پاراگرافی از مقدمه سند "وظایف و اولویتهای" است. لطفاً این نقطه عزیمت را بیشتر توضیح دهید؟

صفحه ۲

به حزب انقلاب اکبر پیوندید!

حزبی برای آزادی جامعه



سیاوش دانشور

طبقات دارا، چه در قدرت سیاسی و چه در اپوزیسیون، که رسالتی جز تداوم نابرابری و استثمار و تبعیض و

بدون شك امروز واژه آزادی مفهومی مقدس در فرهنگ سیاسی جامعه بشری است. حتی بورژوازی و احزاب

صفحه ۶



زنده يك سوسیالیسم!
چهاردهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست کارگری ایران را گرامی بداریم!
۲۵ آذر ۱۳۸۴



تظاهرات علیه حضور خاتمی در آلمان
سخنرانی نازنین برومند،
دبیر تشکیلات آلمان

صفحه ۹

نامه خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج حزب به نهادها و سازمانهای جهانی در حمایت از مبارزات دانشجویان در ایران

صفحه ۷

پیام هما ارجمند در رابطه با انتخاب او بعنوان انسان دوست سال

صفحه ۱۰

کمونیسم و جبهه های نبرد طبقاتی در پلنوم ۲۴ حزب فرشاد حسینی صفحه ۸

"چرا حالا کمونیست شدی؟"

صفحه ۹

کیوان جاوید

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگو با حمید تقوایی

از صفحه ۱

حمید تقوایی: به نظر من این نقطه عزیمت را میشود در يك كلمه در "حزبیت" خلاصه کرد. حزب کمونیست کارگری يك حزب فعال و درگیر در عرصه های مختلف مبارزه است. از جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی تا سازماندهی و رهبری روزمره مبارزات جاری کارگران و تا مبارزه برای آزادی زن و تا حقوق پناهندگان و حقوق کودک و کمپین علیه اعدام و سنگسار و غیره و غیره، در همه این عرصه ها حزب فعال و دخیل است و نه تنها باید ابعاد این فعالیت و دخالتگری وسیع تر شود بلکه لازمست مدام عرصه ها و جبهه های تازه ای در نبرد با جمهوری اسلامی و بورژوازی جهانی بگشاییم. نکته مهم اینست که در شرایط حاضر این پیشروی قبل از هرچیز مستلزم تقویت حزب و حزبیت است. ما باید بتوانیم نفوذ و محبوبیتی را که حزب در هر يك از این عرصه ها بدست آورده است مستقیما به گسترش و تقویت حزب و حزبیت ترجمه بکنیم. این به نظر من حلقه اصلی است که رهبری حزب باید در این دوره بدست بگیرد. بدون متمرکز شدن بر تقویت و توسعه حزب در دل مبارزاتی که درگیر آنیم قادر نخواهیم بود رهبری حزب در این مبارزات را تامین کنیم. حزب ما از نقطه نظر برنامه و استراتژی سیاسی و از نظر نقشه عملها و پلاتفرمها و شعارها و اهداف و سیاستهایش در هر عرصه روشن و متحد و منسجم است، و این نقطه قوت و قدرت حزب ماست. اما نقطه ضعف ما در اینست که نتوانسته ایم آنطور که باید و شاید و بموازات پیشبرد این سیاستها و گسترش دامنه محبوبیت و نفوذ اجتماعی حزب، خود حزب را هم بمشابه سازمان کمونیستی که ستون فقرات و موتور همه این فعالیتهاست گسترش بدهیم و تقویت کنیم. رشد ما تقریبا در همه زمینه هایی که به حزب و حزبیت مربوط میشود، از عضو گیری تا پخش ادبیات حزبی تا گسترش رابطه با مردم و تا جمع آوری کمک مالی و کلا امکانسازی برای حزب در ابعاد مختلف، با نفوذ سیاسی و اجتماعی مان همخوان و متناسب نیست و باید این نقطه

ضعف را به سرعت جبران کرد. تم اصلی بحث های پلنوم و سند اولویتها که در پلنوم به تصویب رسد حول این نکته بود.

انترناسیونال: مشخصا این رشد و تقویت حزب چگونه عملی میشود؟ چطور میشود هم بر حزبیت و تقویت حزب تاکید داشت و هم بر فعالیت و دخالت و درگیری بیشتر در عرصه های متنوع مبارزاتی که به آن اشاره کردید؟ این دو دسته وظایف چه ارتباطی با هم دارند؟

حمید تقوایی: این دو جنبه کاملا به يك دیگر مربوط ند. در توضیح این ارتباط باید به دو تر پایه ای اشاره کنم که در بحثهای پلنوم نیز مشخصا بر آنها تاکید شد و فکر میکنم از نقطه نظر برخورد به مساله حزب و حزبیت، نه تنها در این دوره بلکه بعنوان يك اصل همیشگی، حائز اهمیت است. اول اینکه حزب مدام در حال ساخته شدن است. هیچ زمان نیست که بتوان گفت ساختن حزب به فرجام رسیده و حالا باید صرفا بعنوان يك ابزار مبارزاتی آنرا بکار گرفت. حزب پدیده زنده و متحولی است و مدام باید در دل مبارزه ای که به پیش میبرد بازسازی شود. به این معنا يك موضوع کار حزب همیشه خود حزب خواهد بود و گسترش و تقویت حزب همیشه جزئی از کار رهبری حزب باقی خواهد ماند. نکته دوم اینکه حزب در دل مبارزات جاری، از مبارزات جاری کارگری تا جنبش سرنگونی علیه جمهوری اسلامی و تا مبارزه علیه اسلام سیاسی در سطح جهانی و غیره، ساخته و آبدیده میشود ولی علت وجودی و هویت حزب این مبارزات نیست. حزب کمونیست کارگری نه حول سرنگونی جمهوری اسلامی تشکیل شده است و نه حول مسائل منطقه ای و جهانی ای که در مقطع تشکیل حزب مطرح بودند. حزب کمونیست کارگری حاصل نقد همه جانبه سرمایه داری عصر ماست. این حزب حول آرمان سوسیالیسم، حول نقد سوسیالیستی سرمایه داری معاصر و برنامه يك دنیای بهتر که ترجمه این نقد پایه ای به برنامه يك حزب سیاسی است تشکیل شده است. از نظر اجتماعی این حزب انعکاس جنبش اجتماعی

کارگران علیه سرمایه، یعنی کمونیسم کارگری است و برنامه طبقه کارگر برای رهائی کل جامعه را نمایندگی میکند. بعبارت دیگر هویت و فلسفه وجودی حزب ما نجات بشریت از جهان غیر انسانی و واژگونه ایست که سرمایه داری موجد و حافظ آنست. حزب حول این هدف ساخته شده و تنها حول این هدف میتواند تقویت شود و گسترش پیدا کند. مد نظر قرار دادن مدام این هویت طبقاتی حزب و تاکید و تکیه بر حزب و حزبیت از این زاویه در دل مبارزات گسترده و همه جانبه ای که حزب به پیش میبرد مهمترین پیش شرط پیشروی و موفقیت حزب در این عرصه هاست. بویژه استراتژی سیاسی ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی تنها وقتی میتواند به پیروزی برسد که حاصل هر قدم پیشروی ما علیه جمهوری اسلامی انسجام و استحکام و رشد تشکیلاتی بیشتر حزب باشد.

بعبارت دیگر تقویت حزب و پیشبرد و رهبری مبارزات در عرصه های مختلف دو دسته وظایف جدا از یکدیگر نیستند. از یکدیگر نتیجه میشوند و مستقیما بر یکدیگر تاثیر میگذارند. در واقع تقویت حزب و حزبیت، و سازماندهی و رهبری جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی و کلا همه عرصه های مبارزاتی که حزب درگیر آنست دو جزء ارگانیک يك سیاست و استراتژی واحد است که یکی بدون دیگری نمیتواند با موفقیت به پیش برده شود.

انترناسیونال: در مقدمه سند "وظایف و اولیتها" به تغییرات مهم در يك سال اخیر اشاره کرده اید. اولاً اینکه حزب قوی تر و پر نفوذ تر و شناخته شده تر شده و ثانياً، جمهوری اسلامی ضعیف تر و جنبش سرنگونی طلبانه رادیکال تر و چپ تر شده است. در مورد هر دو کمی توضیح دهید و روشن کنید که این دو مشخصه چه تاثیری در اولویتها و وظایف این دوره دارد؟

حمید تقوایی: فکر میکنم برای هر ناظر منصفی که حتی اندک آشنائی با تحولات سیاسی در ایران (و باید گفت در خارج ایران در هر کشوری که حزب حضور دارد) داشته باشد نقش و دخالت و پیشروی های حزب ما در عرصه های مختلف مبارزه

يك واقعیت کاملاً قابل مشاهده و غیر قابل انکار است. در اعتراضات مردم علیه مضحکه انتخاباتی اخیر، در اول ماه مه ها و ۱۶ آذرها، در روز جهانی کودک، در مبارزات کارگری بر سر افزایش حداقل دستمزد به ۴۵۰ هزار تومان، در اعتصابات کارگری در کردستان، در مبارزه علیه سنگسار و اعدام و بالاخره در سطح جهانی در دفاع از حقوق پناهندگان و در عقب راندن اسلام سیاسی در کشورهای غربی، در همه این مبارزات و تحولات رد پای حزب و سیاستهای حزب را می بینید. در کشورهای غربی که اختناق در حد جمهوری اسلامی وجود ندارد و سازماندهی و مبارزه علنی امکان پذیر است، حضور حزب و چهره های حزبی و پیشرویهای حزب در کمپینهای مختلف علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی و در دفاع از حقوق زنان و پناهندگان و کودکان چنان برجسته و آشکار بوده است که توجه بسیاری از شخصیتها و سازمانهای انساندوست و مترقی و آزادیخواه در کشورهای غربی را بخود جلب کرده است و حتی در مطبوعات و مدیای اصلی این کشورها وسیعا منعکس شده است. در خود جامعه ایران هم نفوذ و محبوبیت حزب رشد چشمگیری داشته است که گرچه بخاطر اختناق انعکاس علنی آن باندازه خارج کشور نیست اما رد پای حزب و سیاستها و شعارهای حزب را همه جا در مبارزات جاری کارگری، در شورهای شهری و در اعتراضات دانشجویی میتوان دید.

از سوی دیگر همه شاهدیم که بعد از انتخاب احمدی نژاد جمهوری اسلامی در موقعیت بحرانی تر و مستاصل تر و دفاعی تری در مقابل جنبش انقلابی مردم قرار گرفته است. از همان دوره باصطلاح انتخابات ریاست جمهوری، مقابله مردم علیه این مضحکه و همه کاندیداهای جناحهای مختلف به اشکال رادیکالی آغاز شد و با شورهای شهری و اعتصابات پیوسته کارگری ادامه یافت. ریاست جمهوری احمدی نژاد نه به یکپارچگی رژیم منجر شد و نه توانست جامعه را معيوب کند و مردم را بخانه بفرستد. امروز احمدی نژاد هم در عرصه سیاست داخلی و هم سیاست خارجی خود به يك عامل بحرانی برای حکومت

تبدیل شده است. ریاست جمهوری وی بخصوص از این نظر که میخ آخر به تابوت توهمات نوع و خردادی و تغییر رژیم از طریق اصلاحات و تغییرات تدریجی و غیره بود حقانیت آلترناتیو چپ، یعنی سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم را در سطح جامعه تثبیت کرد و مطلوبیت و ضرورت آنرا یکبار دیگر به همگان نشان داد.

این واقعیات به حزب ما در تحولات سیاسی جاری نقش ویژه و برجسته ای میدهد. این ویژگی در سند اولویتها بویژه در سه عرصه اصلی وظایف حزب در جنبش سرنگونی طلبانه مردم، سازماندهی و دخالتگری حزب در مبارزات جاری کارگری، و کمپین بین المللی حزب علیه اسلام سیاسی تبیین شده است.

در جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی حزب ما امروز این توان و امکان را دارد که بموازات طرح و گسترش شعارها و سیاستهایش در جامعه به اعتراضات مردم حول این شعارها و سیاستها شکل بدهد و هدایت کند. ما میتوانیم و باید بیش از پیش بعنوان حزب سازمانده و رهبر مبارزات مردم ظاهر شویم. پوشش اجتماعی وسیعی که رادیو و تلویزیون انترناسیونال به اهداف و سیاستهای حزب داده است، مطرح شدن بیش از پیش شعارها و مطالباتی که حزب مطرح میکند در جنبش کارگری و مبارزات دانشجویی و در تظاهرات و اعتراضات شهری، و بالاخره تحقق سیاستهای عملی که حزب ما تحت عنوان حزب و جامعه در ایران مطرح کرد و با استقبال فعالین و رهبران عملی بویژه در جنبش کارگری روبرو شد (امروز میتوان گفت جنبه هائی از این سیاست نظیر علنیت فعالین و رهبران اعتراضات کارگری خوشبختانه به يك سنت و تجربه مثبت و موفق جنبش کارگری در ایران تبدیل شده است)، همه این عوامل گویای این واقعیت است که حزب ما از امکانات عینی و عملی بسیار مساعدی برای سازماندهی و رهبری مبارزه علیه جمهوری اسلامی برخوردار است. رهبری حزب باید این موقعیت را ببیند و برسمیت بشناسد و در محور نقشه عملها و سیاستهای این دوره خود در

از صفحه ۲ گفتگو با حمید تقوایی

رابطه با جنبش انقلابی علی‌ه جمهوری اسلامی قرار بدهد.

در عرصه مبارزات جاری کارگری حزب ما بویژه در کردستان دخالت فعالی دارد. دستاوردهای این فعالیت نظیر نقش فعال مجمع عمومی در اعتصابات، تشکیل صندوق اعتصاب، آگاه کردن مردم شهر از مطالبات اعتصاب و جلب حمایت آنان، فعال شدن خانواده‌های کارگران، تهیه تومارهای حمایتی و فراخواندن سازمانها و اتحادیه‌های کارگری کشورهای دیگر به پشتیبانی از مطالبات کارگران ایران و غیره و غیره را باید در سطح هر چه وسیعتری در جنبش کارگری در ایران بسط داد. بویژه در رابطه با مطالبات سراسری نظیر افزایش حداقل دستمزد به ۴۵۰ هزار تومان، پرداخت دستمزدهای معوقه، و تامین شغلی و بیمه بیکاری مکفی باید با اتکا به دستاوردهای فوق نقشه عملهای مشخصی را تعیین کرد و در دستور گذاشت. کلا میتوان گفت در عرصه مبارزات جاری کارگری حزب ما در سطح محلی در کردستان تجربه و دستاوردها و تجربیات موفقی داشته است و قدم بعدی ما بسط این دستاوردها در سطح جنبش سراسری کارگری است. دستاورد دیگر ما ایفای يك نقش فعال و موثر در انعکاس جهانی مبارزات و خواستهای کارگران ایران و جلب حمایت اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری در کشورهای غربی بوده است. در این زمینه نیز باید بیشتر به پیش‌بروم و بکوشیم يك رابطه همبستگی و حمایت متقابل و مستمر بین جنبش کارگری در ایران و در سطح جهانی بوجود بیاوریم.

بالاخره در عرصه مبارزه بین المللی علی‌ه اسلام سیاسی ما پیشرویه‌ها و پیروزی‌های متعددی داشته ایم. رفقای ما در کشورهای مختلف به چهره‌های سرشناس مبارزه علیه اعدام و سنگسار و حجاب اسلامی و بی‌حقوقی زنان در اسلام تبدیل شده اند. مشخصا پیروزی ما در مبارزه علیه دادگاههای اسلامی و مذهبی در کانادا، و پیشرویه‌های ما در کمپین علیه دخالت مذهب در دولت و در دفاع از سکولاریسم و در مبارزه علیه اعدام و سنگسار امروز حزب ما را در راس جنبش مترقی و

پیشروئی که امروز علی‌ه اسلام سیاسی و کلا علیه دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش و در شئون اجتماعي مردم در غرب در حال شکل گرفتن است قرار داده است.

در کمپین هما ارجمند علیه دادگاههای اسلامی بیش از صد سازمان سکولاریست و مدافع حقوق زن به کمپین ما پیوستند و به همراه ما این پیروزی را جشن گرفتند ، ده ها روزنامه نگار و روشنفکرو سازمان و شخصیت آزادیخواه و مترقی انتخاب مریم نمازی بعنوان سکولاریست سال را تبریک گفتند و حمایت خود را از او اعلام کردند و ده ها روزنامه اروپائی تورسخنرانی مینا احدی علیه اعدام در شهرهای سوئیس را منعکس کردند و جمله منصور حکمت "اعدام قتل دولتی است" به تیتیر روزنامه های اروپائی تبدیل شد. سازمانها و روشنفکران انساندوست و مترقی غرب و مطبوعات و رسانه های غربی متوجه ما میشوند و سرها بطرف ما بر میگردد. این موقعیت وظایف تازه ای را در دستور کار حزب قرار میدهد. ما میتوانیم و باید سازماندهی و رهبری يك جنبش جهانی علیه اسلام سیاسی و در دفاع از سکولاریسم را در دستور قرار بدهیم و به پیش ببریم. این مبارزه بین المللی علاوه بر اهمیت در خودش بعنوان عرصه ای از مقابله ما با نظم نوین جهانی و تئوریه‌ها و سیاستهای ارتجاعی که به مذهب و مشخصا اسلام سیاسی در سرمایه داری معاصر زمینه رشد داده است ، تاثیر مستقیمی بر جنبش انقلابی مردم ایران و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی خواهد داشت. در یلنوم قرار مشخصی در مورد وظایف حزب در مقابله با اسلام سیاسی در دستور داشت که فرصت نکرده به آن بپردازد. این سند که بزودی از جانب رهبری حزب تصویب و به اجرا گذاشته خواهد شد راه های عملی پیشرویه‌های بیشتر حزب در مبارزه با اسلام سیاسی را مشخص کرده است.

انترناسیونال: در سند اولویتها تاکید میشود که "بمنظور دخالت فعالتر و قدرتمندتر حزب در تحولات جاری، برای آنکه انقلاب را رهبری و سازماندهی کنیم، باید یکبار دیگر نقش و موقعیت خود را بعنوان يك حزب کمونیست کارگری، بعنوان حزبی با هدف فوری سوسیالیسم و نیروی تحقق سوسیالیسم، در مرکز توجه قرار بدهیم". لطفا در این مورد توضیح بدهید.

حمید تقوایی: منصور حکمت بارها بر این تاکید میکرد که نقطه قوت ما رادیکالیسم ماست. او همیشه میگفت رادیکالیسم ما را محبوب و توده ای میکند. تمام پیشرویه‌ها و موفقیت‌های حزب ما در عرصه های مختلف گواهی بر صحت این گفته منصور حکمت است. تاکید بر مرکز توجه قرار دادن خصلت کمونیستی حزب و سوسیالیسم در سند اولویتها در واقع به منشا و مبنای این رادیکالیسم تاکید میکند و آنرا بعنوان پیش شرط رهبری و سازماندهی و رهبری انقلاب برجسته میکند و در مرکز توجه رهبری حزب قرار میدهد. آنچه بویژه در این مقطع این عطف توجه را ضروری میکند گسترش دامنه فعالیت و درگیری و دخالتگری حزب در جنبش انقلابی در ایران و در عرصه های دیگر مبارزه است. حزب ما باید در راس این مبارزات و ضامن و تامین کننده رادیکالیسم و ژرف نگری و پیگیری و سازش ناپذیری در این مبارزات باشد، و این تنها با تکیه بر خصلت و آرمان و برنامه کمونیستی حزب، دیدن مکان و موقعیت حزب در مبارزه طبقاتی و در مقابله با سرمایه داری معاصر و با اتکا بر شناخت و نقد کمونیستی جهان معاصر ممکن و میسر است. منظور من بهیچوجه تکرار کلیشه ای کمونیسم و سوسیالیسم در تبلیغات و فعالیت‌های حزبی نیست. این نوع رجوع فرقه ای به کمونیسم هیچوقت شیوه کار ما نبوده است. منظور از تکیه بر کمونیسم و سوسیالیسم در عرصه های مبارزه ناظر کردن نقد عمیق کمونیستی بر پراتیک و فعالیت‌های حزبی است. مبارزه علیه مذهب و برای سکولاریسم، مبارزه علیه آپارتاید جنسی و برای آزادی زن، مبارزه علیه اعدام و سنگسار، مبارزه برای حقوق کودک، مقابله با

دکترین های ارتجاعی نسبیت فرهنگی و مالتی کالچریالیسم، مبارزه با ناسیونالیسم و قوم پرستی و در دفاع از هویت و حرمت انسانی شهروندان جامعه، اینها همه عرصه ها و جبهه های مختلف نبرد طبقاتی در شرایط امروز جهانی است. تنها حزب و یا سازمان و نیروئی میتواند در هر يك از این عرصه ها فعال شود و جلو بیافتد، رهبری را بدست بگیرد و آنها را به پیروزی برساند که به نقد سوسیالیستی و کمونیستی جهان معاصر مسلح باشد؛ حزبی که بر خصلت طبقاتی این عرصه های مبارزه و جایگاه آنها در نظم نوین سرمایه داری در جهان معاصر واقف باشد، ریشه سرمایه دارانه مصاتب بشریت امروز را بشناسد و در پراتیک خود دست به ریشه این مسائل ببرد. زمانی لنین میگفت هر دمکرات پیگیری باید سوسیالیست باشد و امروز باید گفت هر سکولار پیگیر و هر مدافع پیگیر انسانیت و مدنیت باید سوسیالیست باشد. این را در واقع مدافعین ایدئولوژیک و سیاسی و نظامی "نظم نوین" سرمایه داری بازار آزاد مدتهاست که با صدای بلند اعلام کرده اند. امروز در کمپ بشریت متمدن تنها سوسیالیستها باقیمانده اند. تصادفی نیست که امروز در دفاع از حقوق کودکان، در مبارزه علیه اعدام و سنگسار و قتل‌های ناموسی، در دفاع از حقوق زنان، در مقابله با اسلام سیاسی و در مبارزه برای سکولاریسم و جدائی مذهب از دولت، در مبارزه برای آزادی زن در هر کشوری که حزب ما حضور دارد در راس این مبارزات قرار گرفته است. آنچه همه این مبارزات را از اعتصاب کارگران در سنندج تا مبارزه علیه دادگاههای اسلامی در کانادا یکدیگر مربوط و همبسته و هماهنگ میکند وجود حزبی است که کمونیسم کارگری و نقد کمونیستی جهان معاصر را راهنمای پراتیک خود قرار داده است. و امروز تاکید مجدد بر این هویت و خصلت کمونیستی حزب در سند اولویتها در واقع تاکید است بر این واقعیت که ریشه و مبنای پیشرویه‌های حزب را بشناسیم، آنرا پاس بداریم، در مرکز توجه قرار بدهیم و تقویت کنیم.

انترناسیونال: آموزش مارکسیسم و

کمونیسم کارگری در سطح عمومی، در درون حزب در حوزه ها و جلسات آموزشی حزبی هم يك اولویت دیگر این دوره است. آیا این يك اولویت روتین و همیشگی يك حزب کمونیستی نیست؟ از يك آموزش موثر در صفوف حزب چه تصویری دارید؟

حمید تقوایی: درست میگویند، آموزش باید يك امرهمیشگی حزب باشد. اگر آموزش در این سند بعنوان يك اولویت دوره ای ذکر شده دقیقاً به این دلیل است که آموزش يك امر روتین و جافتهاده در حزب ما نیست. بعبارت دیگر آنچه اولویت ما در این دوره است تثبیت سنت آموزش مارکسیستی بعنوان يك امر همیشگی در صفوف حزب است. هدف ما در این دوره راه اندازی مدرسه حزبی با مدرسین و لیست دروس و دوره های معین تعریف شده در کشورهای مختلف است. در داخل ایران البته امکان تشکیل مدرسه حزبی نیست ولی متون و مفاد درسی را در اختیار اعضا و کادرهای حزب در داخل نیز قرار خواهیم داد و بعلاوه سعی خواهیم کرد از طریق تلویزیون انترناسیونال و رادیو ۲۴ ساعته حزب که در شرف تاسیس است همه فعالین حزبی را تحت پوشش آموزشی قرار بدهیم. قرار معینی در رابطه با طرح عملی مدرسه حزبی به پلنوم ارائه شده بود که پلنوم فرصت طرح و تصویب آنرا پیدا نکرد. بزودی رهبری حزب این طرح را تصویب خواهد کرد و به اجرا خواهد گذاشت.

از صفحه ۱ گزارش رئیس دفتر سیاسی ...

مقابل حزب قرار دارد، با توجه به وضعیت و موقعیت کنونی حزب صحبت کنم. لازم به ذکر است که من با تأیید کلیه پیشروی‌هایی که رفقا اصغر کریمی و حمید تقوایی بر آنها تأکید گذاشتند، بحشم را آغاز می‌کنم. یکی از خواص نفر آخر بودن همین است که میتوان با استفاده از صحبت‌های

رفقا به وجوه دیگر مساله پرداخت و از زاویه دیگری به تصویر نگریست.

در تحلیل موقعیت کنونی حزب و رابطه حزب با قدرت من چند وجه از رابطه حزب با جامعه را مورد بررسی قرار میدهم و بعد میروم سراغ يك وجه بسیار مهم دیگر، یعنی حزبیت. به يك عبارت اول به رابطه حزب با جامعه نگاه میکنیم، نقطه قوت‌ها و ضعف‌هایمان را در این رابطه بررسی میکنیم و بعد به خود حزب برمیگردیم. و موقعیت خود حزب را بررسی میکنیم بعنوان يك داده مهم در این تحولات. چرا که بدون این حزب، در قوی‌ترین شکل اش، سخنی از رابطه حزب و قدرت و حزب و انقلاب نمیتواند مطرح باشد.

در چند هفته اخیر که داشتم خودم را برای سمینار انجمن مارکس آماده میکردم، آخرین مباحث منصور حکمت، مباحث مهم و کلیدی او درباره قدرت سیاسی، حزب و جامعه، سلبی و اثباتی و غیره را مرور میکردم. ضمن مرور تلاش منصور حکمت از کنگره دوم حزب برای نزدیک کردن حزب به قدرت سیاسی و برای انتقال کمونیسم به بستر اصلی جامعه، به موقعیت کنونی حزب فکر کردم و با آن زمان مقایسه کردم. از این زاویه موقعیت حزب را مورد بررسی قرار دادم، که آیا توانسته ایم به میزان قابل توجهی به نسبت آن زمان و با توجه به افقی که منصور حکمت داشت، بجلو برویم؟ آیا در عرصه حزب و جامعه موفق بوده ایم و تلاش‌های لازم را کرده ایم؟ این جمله منصور حکمت بیش از همه بر ذهنم نقش بست: آیا حزب کمونیست کارگری و ما بعنوان رهبری حزب شم گرفتن قدرت سیاسی در دوره انقلابی را داریم؟ ملزومات و فاکتورهای دخیل کدامست؟ منصور حکمت بحث را در عرصه‌های مختلف باز میکند، و تلاش

میکند که گره‌های اصلی‌ای که حزب باید بر آن‌ها خم شود را در چهارچوب بحث حزب و جامعه، حزب و قدرت سیاسی، مباحث کنگره ۳ و بحث سلبی و اثباتی طرح کند. (بحث سلبی - اثباتی بخصوص از این نقطه نظر جالب توجه است که خوشبختانه حمید هم اشاره کرد که در بحث اولویت‌ها می‌خواهد به آن بپردازد.)

جنبش سرنگونی شرایط انقلابی

صورت مساله چیست؟ ما با يك جنبش سرنگونی که وسیعاً در جامعه رشد کرده است روبرو هستیم. داریم به سمت يك انقلاب می‌رویم. هنوز بنظر من شرایط انقلابی نیست ولی میشود در ناصیه جامعه دید که انقلابی در شرف وقوع است. روشن است که برای يك حزب کمونیست محتمل‌ترین شکل گرفتن قدرت سیاسی از طریق يك انقلاب است و سهل‌ترین شرایط انقلابی است. آن وقت سوال اساسی اینجاست که آیا در شرایط انقلابی، وقتی بقول منصور حکمت، قدرت از درخت آویزان میشود، ما آماده ایم که بپریم قدرت را بگیریم؟ بنظر من این نقطه محوری تمام تلاش‌های ما هست و باید باشد. نقطه محوری تمام تلاش‌های ما اینست که بالاخره قدرت سیاسی را بگیریم، کمونیسم را پیاده کنیم، پرچم کمونیسم کارگری را در يك گوشه دنیا برافراشته کنیم و بالاخره "يك مقدار زیادی خوشبختی را میان يك تعداد زیادی آدم تقسیم کنیم".

این سوالی است که در پس اذهان همه ما که از صبح تا شام داریم برای این حزب و جنبش فعالیت میکنیم قرار دارد و باید قرار داشته باشد. تمام ما، چه وقتی داریم حوزه می‌سازیم، آموزش میدهم، در عرصه انتشارات کار میکنیم، چه در کمپین مبارزه علیه اسلام سیاسی و دادگاه‌های شریعه، و سازمان آزادی‌زن و حقوق کودک و میزهای مالی فعالیت میکنیم یا این سوال اساسی و کلیدی روبرو هستیم. فعالیت‌ها و مبارزات و تلاش‌های ما باید در جهت تحقق این افق و هدف قرار گیرد. آیا میتوانیم قدرت را بگیریم و قدرت را حفظ کنیم؟ میتوانیم پرچم کمونیسم و مارکسیسم را برافراشته

کنیم و دنیا را تکان دهیم، همانگونه که انقلاب اکتبر چنین کرد؟ فکر میکنم برای همه ما این سوال مطرح است که اگر شرایط عوض شد و لحظات تعیین‌کننده سر رسید، آیا آماده ایم و میتوانیم درست حرکت کنیم و از این لحظات استفاده کنیم؟ بيك معنی آيا "شم" مان قوی است و این لحظات را بو میکشد؟ خصلت انقلاب اینست که نمیتوان از قبل پیش بینی کرد، مکانیسم و دینامیسم حرکت خود را دارد، و دقیقاً به همین خاطر است که داشتن این شم مهم است. وقتی انقلاب آغاز میشود سوالاتی را روی میز ما می‌گذارد که پاسخ‌های فوری میطلبد و ما باید کاملاً برای این شرایط آماده باشیم، اطمینان حاصل کنیم که يك رهبری حاضر یراق و آماده ایم که میتواند این انقلاب را فرماندهی کند.

اکنون در شرایط پیشا انقلابی، در شرایط التهاب و تلاطم سیاسی در جامعه و در شرایطی که يك جنبش سرنگونی وسیع در جامعه در صحنه رودرویی با رژیم حضور دارد، تلاش ما معطوف به بدست آوردن هژمونی در این جنبش سرنگونی باید باشد. باید بتوانیم هژمونی کمونیسم کارگری را بر این جنبش سرنگونی تثبیت کنیم. مهر خود را بر این جنبش بکوییم.

انتخاب بین چپ و راست!

در شرایط فعلی و در جنبش سرنگونی کنونی انتخاب میان چپ و راست مطرح‌ترین و مبرم‌ترین سوال برای مردم است. این کلید هر تحول تعیین‌کننده در آینده سیاسی ایران است. منظوم لزوماً احزاب و جریان‌های سیاسی معین نیست. انتخاب میان آلترناتیو‌هایی است که راست و چپ در مقابل جامعه می‌گذارند. اما وقتی از چپ در جامعه کنونی ایران صحبت میکنیم، این چپ بطور عام با حزب کمونیست کارگری تداعی میشود. چپ با راه کارگر و فدائی و حزب توده تداعی نمیشود، با حزب کمونیست کارگری تداعی میشود. لذا ما نگرانی از این چپ که در چپ جنبش ملی-اسلامی قرار دارد نباید داشته باشیم. در تحلیل نهایی مساله میان چپ و راست فیصله پیدا میکند.

راست تاریخاً و سنتاً بعنوان جریانی که میتواند قدرت را تصاحب و حفظ کند در جامعه شناخته شده و جا افتاده است، حال

با کودتا باشد، یا با سرکوب و شکنجه، برای مردم تصور راست در قدرت امری عادی است. راست حمایت آمریکا را دارد، پول دارد، بانک جهانی را پشت خود دارد، بقول منصور حکمت شیب زمین بنفع راست است. ما داریم تلاش میکنیم شیب را بنفع خودمان صاف کنیم.

چپ چنین تصویر و جایگاهی را در اذهان جامعه ندارد، بعنوان يك جریانی که میتواند قدرت را بگیرد و از آن مهمتر قدرت را حفظ کند هنوز در جامعه جا نیافتاده است. این یکی از گره‌های مهمی است که ما باید به آن بپردازیم. حزب کمونیست کارگری در میان مردم بسیار محبوب است، دوستش دارند. در سطح وسیعی می‌شناسندش. اما ما باید بتوانیم در ذهن جامعه این تصویر را از خودمان جا بیاندازیم که ما فقط بچه‌های خوبی نیستیم که انسان دوستیم و بفکر مردم، زنان و کارگران هستیم، از حق و از حقوق مردم دفاع میکنیم، بلکه قادریم که قدرت را نیز تصاحب کنیم و قادریم قدرت را حفظ کنیم. این باید يك محور فعالیت ما باشد. بقول منصور حکمت یکی از موانع کار ما ناباوری است که مردم به کمونیسم دارند، نه ناباوری از نوع جنگ سردی و ایدئولوژیک آن، بلکه از همین نوعی که الان درباره آن صحبت میکنم، "جونئیوریسم" کمونیسم در رابطه با قدرت، آیا مردم در ما رهبران آتی جامعه را می‌بینند؟ به ما بعنوان رهبران آتی جامعه اتکا میکنند، باور دارند؟ این يك سوال کلیدی است.

راه‌هایی که منصور حکمت برای فائق آمدن به این مانع طرح میکرد عمدتاً از جنس اقداماتی در عرصه حزب و جامعه و تسهیل و گسترش دسترسی مردم به حزب و رهبران بود. در این عرصه بنظر من ما پیشروی‌های قابل توجهی داشته ایم. مساله دست یافتن به تلویزیون ۲۴ ساعته، داشتن رادیوی موج کوتاه و بزودی رادیوی ۲۴ ساعته ماهواره‌ای، سرشناس شدن شخصیت‌های حزبی در راس جنبش‌های اجتماعی، اینها موفقیت‌های چشمگیری است که حزب بدست آورده است. سه سال پیش برای خود من موقعیت کنونی حزب قابل پیش بینی نبود. فرضاً منصور حکمت میگفت ما باید کاری کنیم که در هر خانه‌ای صحبت از حزب باشد. فکر میکنم که الان تا حدود زیادی

چنین شده است. (مثال‌ها زیاد است که اصغر به بخشی از آنها اشاره کرد و من دیگر وارد آن نمیشوم). البته هنوز باید جلوتر برویم، هنوز باید شخصیت‌های بسیار بیشتری را در مقابل جامعه قرار دهیم. ضمناً باید کاری کنیم که مردم در تصویر تك تك آنها رهبران آتی جامعه را ببینند و در این ظرفیت به آنها اعتماد و اتکا کنند. ما نامه‌های بسیاری از این ور و آنور و بخصوص از ایران می‌گیریم، يك شاه بیت اغلب آنها اینست: صداقت شما ما را جلب کرد. اغلب خود را کمونیست هم نمیدانند ولی به صداقت ما جلب شده‌اند. پس ما اعتماد جامعه را به حقانیت و صداقت خود جلب کرده ایم. ولی ما احتیاج داریم که مردم در ظرفیت رهبر جامعه به ما اعتماد و اتکا کنند. بنظر من ما هنوز دچار جونئیوریسم هستیم و باید تلاش کنیم با هم راه‌های فائق آمدن به این ضعف را پیدا کنیم.

يك وجه مهم این جونئیوریسم بنظر من در قبال اپوزیسیون راست متبلور میشود. ما باید در مقابل اپوزیسیون راست رهبر در جامعه معرفی کنیم، نقطه سازش‌هایی که این جریان به جامعه تحمیل میکند را کنار بزنیم. مساله در میان ما با راست تعیین تکلیف میشود. جریان ملی-اسلامی بعنوان يك جنبش میتواند برای ما مطرح باشد ولی تك تك سازمان‌های آن نقش‌چندانی ندارند. ما باید موانع و نقطه سازش‌هایی که اینها به جامعه تحمیل میکنند از پیش را برداریم و جنبش سرنگونی را بجلو سوق بدهیم. یکی از موارد مهمی که ما در مجموع خوب با آن برخورد کردیم، پروژه رفراendum بود. ولی کلاً باید با آمادگی و هشیاری بیشتری در مقابل اپوزیسیون قرار بگیریم. این يك عرصه کلیدی است. فرضاً طی سال اخیر در کردستان ما در عرصه جنبش کارگری پیشروی‌های چشمگیری داشتیم. يك تغییر ریل مهم در فعالیت مان در کردستان را شاهد بودیم. ولی در رابطه با جنبش ناسیونالیستی آنطور که باید حرکت نکردیم. ما باید در مقابل ناسیونالیسم کرد روشن تر و فعال تر و هشیار تر عمل کنیم.

بطور کلی ما باید در مقابل اپوزیسیون راست در میان کل جامعه قد علم کنیم و کلیه نقطه

از صفحه ۴ گزارش رئیس دفتر سیاسی ...

سازش ها و تلاش ها و اقدامات مخربی که در مقابل جامعه قرار میدهند را با قدرت طرد و خنثی کنیم، از قبیل رفراندوم، فدرالیسم و غیره. تفاوت ما با راست، بنظر من، اینست که ما در میان مردم محبوبیم، راست از چنین موقعیتی برخوردار نیست، ما حرف دل مردم را میزنیم. راست پاسخی به خواست ها، امیال و دردهای مردم ندارد. ولی راست يك تصویر تاریخی- سنتی بعنوان رهبر جامعه را يدك ميكشد، بعلاوه از حمایت آمریکا و بانک جهانی و بورژوازی جهانی نیز برخوردار است. راست همیشه حاکم بوده است، کمونیست ها همیشه در زندان بوده اند و شکنجه شده اند. این تصویر است که باید تغییر داد. و ما باید فعالانه مشغول این کار باشیم.

پرچمدار کمونیسم

ما باید بتوانیم به پرچمدار کمونیسم در جهان بدل شویم. در این عرصه نیز پیشروی هایی داشته ایم ولی کم است. این پرچمداری هم در پاسخ دادن به مسائل و معضلات جهانی باید بروز پیدا کند و هم در بدست گیری رهبری جنبش های اجتماعی و سیاسی برای تغییر و متحول کردن جامعه جهانی. بیک معنا هم در عرصه تئوریک و نظری، هم در عرصه عملی و عرصه حزب و جامعه حزب باید نقش پرچمدار کمونیسم را بازی کند. همانگونه که در زمان فروپاشی شوروی ما دنیای نوین را تعریف کردیم، مارکسیسم و جهان امروز را معنا کردیم، در زمان جنگ خلیج نظم نوین جهانی را معنا کردیم و مولفه های آن را برشمردیم، دنیای پس از ۱۱ سپتامبر را باز شناسانیدیم، نقش جنبش اسلام سیاسی را در منطقه و عرصه بین المللی تبیین کردیم، باید در مقابل مسائل و نقطه عطف ها و لحظات تعیین کننده از نقطه نظر کمونیسم کارگری دنیا را تحلیل کنیم و توضیح بدهیم.

حرکات ما در راس جنبش های اجتماعی در دفاع از سکولاریسم، حقوق زنان، حقوق کودکان و در مقابله با اسلام سیاسی بسیار مهم و چشمگیر بوده است. باید این روند را گسترش دهیم. باید با اعتماد به نفس در راس جنبش های اجتماعی و سیاسی برای تغییر جهان و برای متحول کردن جامعه جهانی قرار گیریم. مردم ایران آنگاه در ما با سهولت بیشتری رهبران آتی جامعه

در عرصه بین المللی رهبری کرده و به جلو برده است. بیک معنا کمونیسم کارگری بعنوان يك جنبش بسیار پیشروی کرده است. ولی بنظر من حزب بعنوان حزب پیشروی نکرده است حزیت ضعیف شده است. اجازه بدهید توضیح بدهم منظورم چیست.

آیا این به این معنا است که حزب از نظر کمی رشد نکرده است؟ نه، حزب رشد کرده و علیرغم از سر گذاردن يك انشعاب رشد کرده است. البته این هنوز رضایت بخش نیست. عضوگیری در حزب باید بسیار وسیعتر باشد. رشد حزب یکی بمعنای آنست که این را بشود در عدد و رقم نشان داد، عضویت، کمک های مالی و رشد بنیه مالی حزب، رشد انتشارات حزب، رسانه های حزب، حضور حزب در مجامع مختلف. در بسیاری از این عرصه ها موفقیت هایی داشته ایم، ولی این ارقام اصلا رضایت بخش نیستند. باید اهدافی برای خود تعیین کنیم و تلاش کنیم به آنها برسیم، مثل کمپین مالی موفقی که داشتیم. ولی يك وجه دیگر مقوله حزیت است، بمعنای رشد استحکام و بنیه کادری حزب، تحکیم مناسبات درونی حزب، چه بعنوان رابطه رفیقانه، حفظ حرمت، و نقش اتوریته ها، در کلیه این عرصه ها باید حزب تقویت شود. دیسپلین در حزب باید محکم تر شود. يك حزب انقلابی خلاف جریان که برای قدرت خیز بر داشته است، باید ساختارهای حزیش از این محکم تر باشد، نقش اتوریته و دیسپلین در آن باید بیشتر باشد.

يك مساله دیگر تحکیم شالوده مارکسیستی حزب است. حزب کمونیست کارگری يك حزب مارکسیست است. با بلند کردن پرچم مارکسیسم میتواند به اهداف خود برسد. برنامه خود را پیاده کند. این حزب سیاسی است که پرچم مارکسیسم را برافراشته است. بدرجه ای که در جامعه بجلو میروند، بدرجه ای که در راس جنبش های اجتماعی دیگر قرار میگیرد و آنها را رهبری میکند، بدرجه ای که آرژانتاتورهاى خود را به وسط گود مبارزه طبقاتی میفرستند، به همان درجه باید شالوده مارکسیستی خود را تقویت کنند.

حزب باید بر يك شالوده محکم کادرهای مارکسیست استوار باشد. همانگونه که ما در مبارزه زنده جاری طبقاتی بر جنبش های دیگر

تاثیر میگذاریم، نفوذ خود را در میان آنها گسترش میدهم، آنها را رادیکالیزه میکنیم و برای تامین هژمونی خود بر آنها مبارزه میکنیم، جنبش های دیگر هم میتوانند بر ما تاثیر بگذارند، در ما نفوذ کنند و کمونیسم ما را کمرنگ کنند. تنها راه واکسیناسیون علیه این نفوذ، تقویت و تحکیم شالوده مارکسیستی حزب و استحکام کمونیسم کارگری بمعنای نظری آن در حزب است. این نگرانی واقعی است و ما در مقابل آن واکسینه نیستیم. باید به این مساله توجه جدی مبذول کنیم.

آیا این باین معناست که ما باید در شرکت در این مبارزات محافظه کارتر شویم، یا نسبت به آنها بی توجه تر؟ اصلا. برعکس. ما باید حتی از این بیشتر در این مبارزات و جنبش ها فعال شویم. هر جا که مبارزه بر سر حقوق انسان، بهبود شرایط زندگی انسان ها، حقوق زن، حقوق کودک، گسترش آزادی در جامعه، حقوق مدنی انسان هاست، کمونیسم کارگری باید در آنجا حضور داشته باشد. باید چهره های بسیار بیشتری را در این جنبش ها دخیل داشته باشیم، دقیقا از این طریق است که کمونیسم کارگری مهر خود را بر جامعه میکوبد و بعنوان رهبر جامعه ظاهر میشود. ولی مساله اینجاست که باید هشیار باشیم که نفوذ و تاثیر يك طرفه باقی نماند. همانگونه که ما آنها را رادیکالیزه میکنیم، آنها میتوانند کمونیسم ما را رقیق کنند. تنها سد، يك ستون فقرات کادری محکم مارکسیست در حزب است.

حزب باید بعنوان يك حزب سیاسی جدی در بستر اصلی مبارزه در تمام عرصه های مبارزه طبقاتی فعال و دخیل باشد، وسیعا عضوگیری کند، اعضایی که بقول منصور حکمت نمیتوانند لنین خوردنی است یا پوشیدنی، ولی در عین حال يك حزب محکم مارکسیست باقی بماند. این کلید پیشروی حزب بسوی قدرت و برقراری سوسیالیسم است. این يك وجه مهم تئوری منصور حکمت در رابطه با حزب کمونیستی و قدرت، حزب سیاسی کمونیستی و حزب و جامعه است.

روشن است که يك راه اصلی ساختن چنین حزبی جدی گرفتن مقوله آموزش در حزب است. عضوگیری در مرحله پرکردن فرم

عضویت پایان نمیابد، پس از آن باید مرحله "جذب" این عضو را به کمونیسم کارگری و مارکسیسم آغاز کنیم. باید این اعضا مارکس و منصور حکمت را بخوانند، با تاریخ این حزب و سنن و اصول سازمانی آن آشنا بشوند. بعلاوه کادرها نیز باید بطور دائم آموزش ببینند. سمنارهای کادرها را باید دوباره بطور منظم سازمان دهیم. قرارهایی اصغر کریمی درباره کادر و مدرسه حزبی به پلنوم پیشنهاد داده است که امیدوارم تصویب کنیم و برویم آستین بالا بزنیم و آنها را پیاده کنیم. رفقا، یحتم را جمع میکنم. از این بخش آخر بحث روشن است که نباید نتیجه بگیریم که خوب کارهایی که در ابتدا به آن اشاره کردم را معطل میکنیم، اول حزب را محکم میکنیم و بعد سراغ آنها میرویم. خیر. باید هر چند کار را با هم انجام بدهیم. باید در عین حالیکه رابطه حزب با مردم، حزب با جامعه را محکم تر میکنیم و گسترش میدهم، در عین حالی که نقطه سازش هایی که راست به جامعه تحمیل میکند را کنار میزنیم، پرچم کمونیسم کارگری را در راس جنبشهای اجتماعی دیگر به اهتزاز درمیآوریم، يك حزب محکم مارکسیستی نیز بسازیم. این يك مبارزه چند وجهی و پیچیده است.

ولی باید همیشه بخاطر داشته باشیم که آن کلید اصلی که به کمونیسم اجازه میدهد سوسیالیسم را پیاده کند، پرچم کمونیسم را بلند کند و دنیا را تکان دهد، يك حزب سیاسی قوی کمونیستی است. بدون آن امکان ندارد. و این حزب را ما داریم. خیلی هم عزیز است. ولی باید به آن برسیم. باید ستون فقرات کادری آن را محکم کنیم، اعضای بیشتری بگیریم و آنها را مارکسیست کنیم، مناسبات درونی حزب را محکم کنیم، اتوریته را در حزب و ساختارهای آن را تقویت کنیم، مناسبات رفیقانه کمونیستی را در حزب تحکیم کنیم، مواظب باشیم که کسی از زیر پای کسی چهارپایه نکشد، بلکه تلاش کنیم که تعداد هر چه بیشتری از شخصیت ها و چهره های حزبی در مقابل جامعه قرار گیرند. چنین حزبی با اتکاء به گنجینه ادبیات نظری، برنامه روشن کمونیستی و استراتژی روشن در شرایط خوبی برای گرفتن قدرت و برافراشتن پرچم کمونیسم در جامعه قرار دارد. *

از صفحه ۱ به حزب انقلاب اکتبر پیوندید

دفاع از مالکیت خصوصی و توجیه آن ندارند، تلاش میکنند امر و هدف طبقاتی خویش را منافع عموم و با نام "آزادی" توضیح دهند. در تاریخ تائکونی جوامع طبقاتی نیز، که بر محور استثمار و سرکوب و جدال بیوقفه طبقات متخاصم ورق خورده است، این قانون نانوشته حکم کرده است که طبقات حاکم تامین منافع خود را منافع کل مردم قلمداد کرده اند. نه لیبرالیسم و دموکراسی که قله پیشرفت بورژوازیست و نه جنبشهای رفرمیستی که خواهان تغییراتی اندک در چهارچوب همین نظام بوده اند، نتوانسته اند چشم اندازی از آزادی و رهایی همه جانبه بشر بدست دهند. نظم نوین جهانی و عروج واپسگرایی و جهالت ملی و مذهبی و جنگ و گرسنگی و سوتغذیه و بیماری و بی مسکنی و نابودی دسته جمعی میلیونها انسان تحفه سرمایه داری قرن بیست و یکم است.

کمونیسم مارکسیستی و کارگری ازاینرو در قله تمدن تاریخ بشری قرار میگیرد که افق آزادی و رهایی را از زندان و چهاردیواری تنگ بورژوازی و سنتهای که طبقات حاکم بر آن تکیه دارند رها میکند. کمونیسم کارگری آزادی را امر کارگر و آزادی کارگر را منوط به آزادی کل جامعه میداند. اگر در دورانی پیشین برده و رعیت با رهایی از برده داری و نظام ارباب و رعیتی آزاد میشد، در دنیای سرمایه داری کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند. حزب کارگری، حزب سیاسی برای آزادی کل جامعه و بشریت است. کمونیسم کارگری برای امر آزادی ناچار است دست به ریشه ببرد و کل میراث اختناق و استبداد و تحجر و استثمار را درهم شکند. کمونیسم کارگری ناگزیر است بر قلل تمدن و پیشرفت قرار بگیرد تا از سقوط بشریت در منجلاب سرمایه و مذهب و ناسیونالیسم جلوگیری کند. کمونیسم کارگری عمیقترین نقد انسان پیشرو و سوسیالیست به پیشرفته ترین نظام بردگی تاریخ جوامع بشری یعنی سرمایه داری است. کمونیسم کارگری در مقابل توحش و افسار گسیختگی سرمایه و طبقات حاکم الگوی آزادی قرن بیست و یکمی را در مقابل جامعه میگذارد. بورژوازی و جنبشها و احزاب و سنتهای سیاسی آن به آخر خط رسیده اند. امروز، در هیچ جای جهان، بورژوازی حتی ادعای بهبود و

دارد، نه به مذهب و خرافه ناسیونالیسم احترام میگذارد، نه در پی احیای امری در قعر تاریخ مشرق زمین است. مدرنیسم و ماکزیالیسم و انترناسیونالیسم و انساندوستی و برابری طلبی هویت این حزب است. این حزب کمونیستهای آرمانخواه و بشدت زمینی است که میخواهند سرنوشت امروز و آینده خویش را با عمل و تلاش جمعی و فردی رقم بزنند. این حزب جای تمام کسانی است که این جهان مملو از جنایت و کثافت و تحقیر را دون شان خود میدانند و حاضرند برای آزادی خود و همنوعانشان همین امروز کاری صورت دهند. این حزب کسانی است که به ناحق گردن نمیگذارند، تسلیم نمیشوند، آرمانهایشان را نمیفروشند، مجیز بورژوازی را نمیگویند، این جهان را شایسته خود و دیگران نمیدانند و فکر میکنند آزادی بشری همین کره خاکی و همین امروز امری عملی است. این حزب کسانی است که خلاف جریاند، با موج نمیروند، پرچم ها را غلاف نمیکند، ضربه میخورند اما می ایستند و قطب نمایشان را گم نمیکند. این حزب تاکنون و در این دنیائی که همه چیزش علیه بشر و ضد انسان است ایستاده است تا بگوید تحقق کل آزادی يك رویا نیست، يك آرمان دیرینه بشری است. این حزب هست چون کارگر و مردم منکوب شده و زن تحقیر شده و

کودک گرسنه را نمیتواند ببیند و در ارکستر بورژوازی با نام "آزادی" به چشم مردم خاک پیاشد. این حزب از کوران مبارزه فکری و سیاسی و جنگ نابرابر و سهمگین با بورژوازی و به خاک افتادن هزاران انسان شریف و دوست داشتنی بیرون آمده تا پرچم رهایی بشر و آرمان آزادی و برابری را برافراشته و در صحنه سیاسی نگهدارد.

این حزب مارکسیستهایست. حزبی است که اسطوره "پایان کمونیسم" را قبول نکرد و در مقابل خیل تازه دمکراتهای نظم نوین بوش و شرکا ایستاد. این حزبی است که در دورانی که لنین را بعنوان سمبل جسارت انقلابی و کمونیستی علیه سرمایه به خاک کشیدند از لنین و حزب لنینی سرافرازانه و با شهامت دفاع کرد. این حزبی است که زمانی که مارکس و نقد مارکسیستی و آرمان کمونیستی طبقه کارگر را هر روشنفکر بورژوا و "چپ" های ناسیونالیست به ریشخند گرفتند تا

پاکستان و اردن و عراق است. این تنها حزب کمونیستی در اپوزیسیون است که در ایران و چهارگوشه جهان منشا اثر و تغییر است. و این تنها نوک يك کوه عظیم و ذراتی از يك آتشفشان بزرگ است. این حزب کمونیست کارگری است که جنبشی برای تغییر زندگی انسان امروز و پرچمی برای تعرض به کلیت نظام سراپا جنایت و خون و توحش سرمایه دار است. این حزب مهمترین سلاح در نبرد ما برسر آزادی و رهایی است.

به حزب پیوندید

سی نوامبر چهاردهمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری است. در اینروز بویژه باید این تاریخ پر افتخار را مرور کرد و اهمیت تاریخی وجود و تلاش چنین حزبی را درک کرد و آنرا پاس داشت و دسته جمعی به صفوف این حزب پیوست. باید برای امروز و آینده خود و فرزندانمان تصمیمات بزرگ گرفت. باید به صحنه سیاست دنیا و ایران نگاه کرد و نقش خود و اراده انقلابی را با عینکی انسانی، کمونیستی و آزادخواهانه، ایزکتیو و شجاعانه نگرست و تصمیم سیاسی گرفت. باید تصمیم گرفت و قبول کرد که این جهان شایسته تحویل دادن به نسل بعدی نیست. هیچ میراثی بزرگتر و باشکوهتر و با ارزشتر از این نیست که پدیده ای عظیم را به دیگران منتقل کرد، که آزادی و رفاه و تمدن را در مقیاسی بزرگ برای انسانهای زیاد به ارمغان آورد. ایران در آستانه يك تحول عظیم و زیر و رو کننده تاریخی در مقیاس منطقه ای و جهانی قرار دارد. رقم خوردن این آینده به نفع اکثریت مردم محروم محتوم نیست. میتواند اوضاع از این که هست بدتر شود. میتواند عراق و افغانستان و رندا و یوگسلاوی تنها يك پرده از توحشی باشد که بورژوازی میتواند به مردم تحمیل کند. این آینده در عین حال میتواند انفجار و بشریت را تکان دهد و به حرکت درآورد. این آینده میتواند آینده ای باشد که خوشبختی و سعادت و رفاه و حرمت بشر را به کرسی بنشاند. این آینده میتواند و باید آینده ای شاد و مرفه و برابر و آزاد برای بشریتی باشد که امروز زیر دست و پای مذهب و ناسیونالیسم و سرمایه مسخ و مصلوب شده است. این آینده را باید ساخت و ساختن آن تصمیمات

علیه استبداد حاکم در ایران و برای آزادی از مبارزات دانشجویان در ایران حمایت کنید!



به همه مردم آزادخواه سازمانهای مدافع حقوق زن سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر دانشجویان و سازمانهای دانشجویی در سراسر جهان

دانشگاه در ایران، پایگاه مبارزه علیه استبداد مذهبی حاکم و یکی از سنگرهای مبارزه مردم ایران برای رهایی است. از اینرو، روز ۱۶ آذر (هفتم دسامبر) روز ویژه ای است. روز دانشجو است. در روز دانشجو در سالهای گذشته، مبارزات آزادیخواهانه دانشجویان علیه استبداد حاکم، ابعاد گسترده تری یافته است. هر سال در این روز، نبرد دانشجویان با ارتجاع حاکم، علیه سلطه قوانین و مقررات مذهبی در جامعه و دانشگاه با مشت آهنین جمهوری اسلامی مواجه میشود. بارها مبارزه دانشجویان به خون کشیده شده است، بسیاری جان خود را از دست داده اند و تعداد بیشتری در زندانهای جمهوری اسلامی به مرگ تربیتی محکوم شده اند. اما علیرغم سیاست سرکوب و بگیرو بند جمهوری اسلامی، نبرد دانشجویان با ارتجاع حاکم توقف نیافته است. امسال، دانشجویان خود را برای روز ۷ دسامبر آماده میکنند. آنها در تدارک اعتراضات گسترده ای علیه رژیم حاکم و قوانین و مقررات ارتجاعی آن هستند. با آغاز سال تحصیلی جدید، جمهوری اسلامی سیاست سرکوب و ارباب در دانشگاه ها را تشدید کرده است. محیط های دانشجویی بشدت پلیسی شده و تحت کنترل نیروهای

امنیتی در آمده است. جداسازی اجباری دانشجویان زن و مرد، حجاب اجباری و سخت گیری در نحوه پوشش شدت بیشتری گرفته است. مقابله و کشمکش دانشجویان و نیروهای سرکوبگر رژیم نیز دامن در جریان بوده است. در نتیجه سیاست بغایت ضد انسانی رژیم حاکم، طی چند هفته اخیر دو دانشجوی دختر بقتل رسیده اند. آزاده وظیفه دوست در دانشگاه ساوه در رابطه با مساله حجاب بقتل رسید که بلافاصله با اعتراض گسترده دانشجویان دانشگاه آزاد ساوه مواجه شد. بیش از سه هزار دانشجو در یک پاسخ متقابل به نیروهای سرکوب، شاهراه ارتباطی تهران- ساوه را به مدت ۲ ساعت مسدود کردند تا صدای اعتراض خود را بگوش مردم برسانند. قتل آزاده و اعتراض دانشجویان بازتاب گسترده جهانی داشت. همچنین نیروهای فوق ارتجاعی با تیغ به دختر دانشجویی در شهر جیرفت واقع در استان کرمان حمله میکنند. او در دم جان باخت. اینها فقط دو نمونه از جنایات گسترده رژیم و عوامل آن در رابطه با دانشجویان و بویژه دانشجویان زن در هفته های اخیر بوده است.

دانشجویان خود را برای اعتراضات گسترده آماده میکنند. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نیز، خود را برای تقابل با آنها تجهیز کرده است. رژیم محیط های دانشگاه را با نیروهای امنیتی و پلیسی به کنترل خود در آورده است. با اینحال دانشجویان مصمم اند در هفتم

دسامبر، روز دانشجو، اعتراض خود را به نمایش بگذارند. دانشجویان در ایران به حمایت شما نیاز دارند. از مبارزات دانشجویان در ایران حمایت کنید. در نبرد علیه ارتجاع و برای آزادی آنها را تنها نگذارید. با ارسال نامه های پشتیبانی به حمایت آنها برخیزید. جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب دانشجویان محکوم کنید. خوهان آزادی دانشجویان دستگیر شده شوید. خوهان دستگیری و محاکمه قاتلین آزاده وظیفه دوست و ... شوید. از مطالبات دانشجویان برای برچیده شدن مقررات و قوانین مذهبی از دانشگاه حمایت کنید. از خواست آنها برای خاتمه دادن به سیاست جداسازی زنان و مردان در محیط دانشگاه و جامعه حمایت کنید. از خواست آنها برای اخراج نیروهای امنیتی و سرکوبگر از دانشگاه بدفاع برخیزید. از لغو حجاب اجباری و پایان دادن به آپارتاید جنسی حمایت کنید. دانشجویان آزادیخواه در ایران را تنها نگذارید!

خلیل کوان دبیر تشیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
پنجشنبه ۳ آذر ۸۴، ۲۴ نوامبر ۲۰۰۵

است. در استراتژی کسب قدرت سیاسی بوسیله حزب نیز در واقع حزب اساس این استراتژی است. سند اولویتهای مصوب پلنوم ۲۴ این عامل حزبیت را برجسته میکند و در مرکز توجه رهبری حزب قرار میدهد. اگر رهبری حزب این حلقه را بدرستی در دست بگیرد و اولویتهای مصوب پلنوم را عملی کند این به نظر من يك گام بلند در جهت تامین رابطه وسیعتر و نزدیک تر حزب با جامعه، پیشرویهای بیشتر در سازمان دادن و رهبری جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی، و نزدیک تر شدن به کسب قدرت سیاسی خواهد بود. *

نکته دیگر تاکید بر تقویت حزب و حزبیت در سند اولویتهاست که این عامل نیز در ایفای نقش موثرتر حزب در جنبش سرنگونی و رهبری و سازماندهی این جنبش تاثیر مستقیم و تعیین کننده ای دارد. در این مورد بالاتر توضیح دادم که اینجا فقط به این اشاره میکنم که در دو مبحث اصلی حزب ما در این دوره که منصور حکمت مطرح کرد و از کنگره سوم تا امروز مبنای تمام سیاستهای عملی ما در این دوره بوده است یعنی بحث "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی"، حزب و حزبیت يك جزء و عامل اساسی و تعیین کننده این مباحث

کنگره پنجم هنوز احمدی نژاد روی کار نیامده بود و یا فدرالیسم و تبلیغات قومی این موقعیت امروزی را پیدا نکرده بود. در سند اولویتهای شوه مقابل ما با جمهوری اسلامی با توجه به این جنبه های مشخص تبیین و تعیین شده است. در عین حال باید توجه داشت که هنوز آنچه به شکل جامعی سیاست عملی ما برای رهبری و سازماندهی جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی را تعیین میکند قطعنامه مصوب کنگره پنجم است و باید سند اولویتهای را بعنوان جزئی از این نقشه عمل عمومی در نظر گرفت.

۱۶ آذر روز اعتراض به جمهوری اسلامی در ایران و سراسر دنیا است!

روز ۱۶ آذر همراه دانشجویان و مردم معترض ایران در دیگر نقاط دنیا نیز به خیابانها می آیم تا صدای اعتراض حق طلبانه مردم بیخاسته ایران را به گوش جهانیان برسانیم. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت روز ۱۶ آذر يك رشته میتینگ اعتراضی بر علیه جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف دنیا برگزار می کند. ما همه انسانها آزادیخواه را فرا می خوانیم که با شرکت در این میتینگ ها، نفرت و بیزاری خود از جمهوری اسلامی را به نمایش بگذارند و خواهان قطع روابط دیپلماتیک و سیاسی دولتها با جمهوری اسلامی شوند. جنایتکاران حاکم بر این باید به جرم جنایت علیه بشریت و مردم ایران محاکمه و مجازات شوند. در روز ۱۶ آذر باید در همه جا این خواست را طنین انداز کرد.

سوئد

استکهلم - روزهای ۵ تا ۷ دسامبر غرفه اطلاعاتی و اجتماع اعتراضی، هر روز از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در Drottningsgatan
گوتنبرگ - روز ۶ دسامبر غرفه اطلاعاتی از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر، میتینگ اعتراضی از ساعت ۴ تا ۵ بعد از ظهر، در Brunnsparken
مالمو - روز ۷ دسامبر میتینگ اعتراضی در میدان گوستاو آدولف، از ساعت ۵ بعد از ظهر

آلمان

هامبورگ - ۷ دسامبر میتینگ اعتراضی در مقابل سرکنسولگری جمهوری اسلامی (Bebelallee 9)، ساعت ۲ بعد از ظهر
فرانکفورت - ۳ دسامبر، میتینگ اعتراضی در مرکز شهر فرانکفورت (Zeil Hauptwache - Skater Fläche)، ساعت ۱۱ صبح

انگلستان

لندن - روز ۷ دسامبر، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی (Prince Gate - Kensington Gore)، از ساعت ۱۲ تا ۲ بعد از ظهر

استرالیا

سیدنی - غرفه اطلاعاتی روز ۳ دسامبر، روبروی سالن شهرداری پاراماتا، از ساعت ۱۰ صبح تا ۳ بعد از ظهر

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

گفتگو با حمید تقوایی

از صفحه ۳

درست مساله و ایجاد سوال در ذهن محصلین باشد. امیدوارم بتوانیم در سازماندهی مدرسه های حزبی همه این شرایط را فراهم کنیم.

انترناسیونال: ایران در آستانه يك تحول سیاسی جدی است. احزاب سیاسی خود را برای دخالت در قدرت سیاسی آماده میکنند. حزب کمونیست کارگری میخواهد رهبر جنبش سرنگونی و انقلاب آتی باشد و انقلاب آتی ایران را به سمت استقرار يك نظام سوسیالیستی سوق دهد. آیا سند اولویتهای که در پلنوم تصویب شد حزب را از این نظر در موقعیت بهتری قرار میدهد؟
حمید تقوایی: قطعنامه "مبنای

کمونیسم و جبهه های نبرد طبقاتی در پلنوم ۲۴ حزب

فرشاد حسینی



کادر کمونیستی

فرا تر رفتن از این ارتفاعات و گسترش دادن این پیشرویها مستلزم تاکید مجدد بر کمونیسمان است. اگر میخواهیم از این ارتفاعات سقوط نکنیم. اگر میخواهیم به این پیشرویها لم ندهیم، باید جوهر و هسته و نیروی محرکه فعالیتهای بیش از دو دهه این جنبش را محکم گرفته و آن را تقویت کنیم. این جوهر و هسته فعالیتهای ما، کمونیسم ماست. کمونیسم نیز بدون کمونیست ها بی معنی است. بدون قرار دادن حزب وسیع ما بر پایه یک اسکلت کادری کمونیست بی معناست. بنابراین ساختن یک لایه قوی و گسترده کادری کمونیست مهمترین امر ما برای پیشبرد کمونیسم به جلو است. باید حزب به سیستمی مجهز شود که سوخت و انرژی مارکسیستی و کمونیستی را مدام در بطن پرشتاب فعالیتهایش به درون تشکیلات و جنبش تزریق کند. این امر یکی از تاکیدات مهم پلنوم بود. وجود لایه قوی مارکسیستی مهمترین واکسیناسیون در مقابل تعرضات و شیبخون های جنبش های مختلف بورژوازی به حزب و گرفتن نیرو از حزب است. برای آنکه در ایران انقلاب کارگری سازمان داد، به سمت کسب قدرت سیاسی رفت، برای اینکه جواب سناریوی سیاه در عراق و ایران و منطقه را داد، برای اینکه لیبرالیسم غربی و مولتی کالچرالیسم و پست مدرنیسم و سایر شاخص های فکری فرهنگی سیاسی بورژوازی را نقد کرد. باید کمونیست بود. باید مارکسیست بود. و باید با سلاح کمونیسم و مارکسیسم با آنها جنگید. و این افقی بود که پلنوم و به ویژه مباحث دقیق حمید تقوایی در این خصوص، بر روی کل حزب گشوده است.*

با مهمترین مبانی فکری سیاسی اجتماعی بورژوازی نظم نوین جهانی است. در این مبارزه جهانی کمونیستی فقط این حزب است که در وسط صحنه سیاسی جامعه جهانی دارد از هر طرف مبارزه می کند. به عبارتی حزب امروز بیش از هر زمان دیگری در جبهه رویارو و تن به تن با غول های بورژوازی قرار گرفته است. پرچم رادیکالیسم و سکولاریسم و اومانیزم را از دست جنبش های دیگر گرفته و خود بعنوان یک جریان کمونیستی در راس آن قرار گرفته است. از این زاویه که به حزب نگاه میکنیم تنها حزبی هستیم که حتی در اپوزیسیون منشا اثر هستیم. جمهوری اسلامی هنوز سرنگون نشده است. انقلاب کارگری هنوز سازمان داده نشده است. اما حزب نیز همچنان در اطاق انتظار سرنگونی باقی نمانده و پیشرویهای مهمی کرده است. پیشرویهای غیرقابل انکاری کرده است. جمهوری اسلامی را هنوز سرنگون نکرده ایم اما اسلام سیاسی را در کانادا به عقب راندیم. سکان دار و سخنگوی سکولاریسم در عرصه بین المللی شدیم. جلوی اعدام را گرفتیم. پناهندگان را در مقیاس های وسیعی نجات دادیم. نسبیت فرهنگی و پست مدرنیسم را زیر فشارهای خود در قلب اروپا به عقب راندیم. و بالاخره کمونیسم و منصور حکمت را در راس توجه جهانی قرار دادیم. در یک جمله این حزب اکنون در ارتفاعات بلندی از یک مبارزه طبقاتی جهانی قرار گرفته است.

است. نابودی کار مزدی است. حزب کمونیست کارگری ورژن ایرانی کنگره ملی آفریقا (ای.ان.سی) نیست که امرش را فقط سرنگونی آپارتاید تعریف کرده باشد. سازمانی که به جز این امر حتی در قبال مبارزه تبعیض نژادی در آمریکا و سایر کشورهای جهان بی وظیفه بود. کاری به مسئله سیاهان در کشورهای دیگر ندارد. مسئله کودک امرش نیست. مسئله زن مسئله اش نیست. حزب کمونیست کارگری حتی در قیاس با احزبی مانند حزب بلشویک نیز حزبی متفاوت تر است. بلشویکها نیز در اروپا تنها امر خود را در دنبال میکردند. در جنبش های مهم اجتماعی زمانشان در اروپا فعال نبودند.

حزبی در نبرد تن به تن با بورژوازی جهانی

حزب کمونیست کارگری در تفاوت اساسی با تمام جریانان اپوزیسیون چه در ایران و چه در خارج، یک حزب به تمام معنی کمونیستی است. حزبی است که نه فقط میخواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و انقلاب کارگری در ایران سازمان دهد بلکه در همان حال کل رگه های فکری و سیاسی و اجتماعی بورژوازی در سطح جهانی را نیز چالنج کند. حضور فعال حزب در عرصه های مبارزه علیه اسلام سیاسی در مبارزه برای حقوق کودک در مبارزه برای حقوق زن در مبارزه برای حقوق پناهندگان و مهاجرین و در واقع در مبارزه برای حقوق انسان در هر جایی که این حقوق زیر سوال میروند همگی بیانگر جدال عظیم و چندجانبه یک حزب کمونیستی در محور جامعه سرمایه داری جهانی و با کلیه مشقات و عوارض این نظام است. چالنج های حزب چالنج هایی

چه هسته اولیه فکری سیاسی ایندولژیکی حزب یعنی اتحاد مبارزان و کلا مارکسیسم انقلابی در رابطه مشخص با انقلاب ایران شکل گرفت اما اساسا جدال های مهم نظری و سیاسی حزب ایرانی نبودند. مارکسیستی بودند. خطوط عمده، اسطوره بورژوازی ملی مترقی، مسئله زمین، متدولوژی و تئوری شناخت، نقد پوپولیسم، بحث برنامه و کلا کلیه مباحثات مهم و تعیین کننده این جریان همگی بیش از اینکه مباحثاتی در حوزه مسائل جغرافیای سیاسی ایران باشد در تلاش هایی برای بیرون کشیدن مارکسیسم مارکس از زیر خروار انحرافات جنبش های غیر کارگری و غیر کمونیستی مدعی کمونیسم در سطح جهانی بودند. این خط مصافهای مدام و بازتعریف کردن مدام کمونیسم مارکس همواره یکی از شاخص های مهم و برجسته جریان کمونیسم کارگری بوده است. ادبیات این جریان از اسطوره گرفته تا دنیا پس از ۱۱ سپتامبر ادبیاتی است که در سطح مبارزه طبقاتی جهانی افق باز میکند و جبهه میسازد و مبارزه میکند.

در سطح دیگری حزب کمونیست کارگری، حزبی تنها برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی در ایران نیست. حزب حول این محور تشکیل نشده است. سرنگونی جمهوری اسلامی و سازمان دهی انقلاب کارگری و کسب قدرت سیاسی اگر چه جزو وظایف مهم و عرصه های مهم مبارزه حزب میباشد اما محور و فلسفه وجودی حزب را بیان نمیکند. محور و فلسفه وجودی حزب، کمونیسم و تغییر زندگی بشر است. زیر و رو کردن نظام سرمایه

در زندگی سیاسی هر حزب اجتماعی لحظاتی وجود دارد که می توان آن را نقطه عطف خواند. نقطه هایی که نشانه پایان یک دوره و هم زمان نشان دهنده سمت گیری جدیدی است. در چنین لحظات گذاری این حزب ناگزیر است با چشمانی به تیزی عقاب به گذشته و حال نظر افکنده و بر موقعیت واقعی خود تسلط کامل یافته و افق ها و مصافهای مهم فراروی خود را با دقت ترسیم کند.

اما در مقطع پلنوم ۲۴ حزب، این نقطه عطف و این موقعیت جدید چه میباشد؟ حزب کمونیست کارگری در کجا ایستاده است؟ چه مسائل جدیدی در مقابل حزب قرار گرفته اند؟ مبارزه طبقاتی، حزب را در چه عرصه های مهمی چالنج میکند؟ و بالاخره حزب برای رفتن به دل این مصافهای تعیین کننده کمونیستی باید چه شاخص ها و خصوصیات داشته باشد؟ و آیا پلنوم ۲۴ بر رسمیت شناختن به این موقعیت جدید و تعریف عرصه های مهم مبارزه طبقاتی چه در ایران و چه در سطح بین المللی موفق بوده است؟ دورنمای پیشروی های حزب پس از پلنوم ۲۴ چه میباشد؟ این سولاتی است که من براساس برداشت شخصی ام از پلنوم ۲۴ به آنها میپردازم.

حزبی برای کمونیسم و تغییر زندگی بشر

برای ترسیم وضعیت کنونی حزب شاید لازم باشد حزب را در بطن احکام پایه ای تری مورد بررسی قرار داد.

حزب کمونیست کارگری ایران حزبی نیست که فلسفه وجودی و امر مبارزاتی اش را از یک جغرافیای معین مانند ایران گرفته باشد. اگر

از صفحه ۶ به حزب انقلاب اکتبر پیوندید

بزرگ و حرکت و تلاش جمعی و فردی و آگاهانه همه ما را طلب میکند. حزب کمونیست کارگری حزب این آیینده است. حزب آیینده سوسیالیستی، حزب آیینده آزاد و اعاده حرمت انسانی، حزب آیینده جهان متمدن، حزب رهائی از یوغ اسلام و مذهب و طوق اسارت و جهالت ملیت و قومیت و

ناسیونالیسم، حزب جامعه انسانهای آزاد و پیشرو، حزب آزادی کل جامعه. حزب کمونیست کارگری باید در این جدال تاریخساز پیروز شود و این پیروزی یعنی انقلاب علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران، یعنی خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی، یعنی استقرار

انقلابی لنین، حزب سنت مارکس و منصور حکمت، حزب اکتبر ایران است. در مناسبت سالروز تشکیل این شیرین ترین پدیده تاریخ معاصر به حزب کمونیست کارگری پیوندید و از تریبون آن در هر کوچه و خیابان و کارخانه و دانشگاه، دیگران را به صف الگوی آزادی قرن بیست و یکمی بشریت امروز دعوت کنید. ما شایسته زندگی بهتری هستیم، این را باید باور کرد. باید به خود و دیگران

حکومت کارگری و جمهوری شوراها، یعنی برپائی جمهوری سوسیالیستی و سوسیالیسم و یک دنیای بهتر، یعنی یک رهائی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی همه جانبه و عمیق، یعنی آزادی فردی و جمعی، یعنی پایان دادن به دوران توحش و بربریت بشر و شروع فصل نوینی از مناسبات اجتماعی. این حزب آرمانهای بزرگ و تصمیمات بزرگ است. حزب پراتیک

اعتماد کرد و با نقد زیر و رو کننده کمونیستی کارگری به سرمایه و جهان امروز برای پیروزی در نبردهای سرنوشت ساز آماده شد. دوران میداننداری احزاب سنتی طبقات حاکم به سر رسیده است. امروز نسل جدید این شانس را دارد که به یک حزب کمونیستی کارگری رادیکال و سازش ناپذیر پیوندند و برای امر تغییر جهان به میدان بیایند.*

"چرا حالا کمونیست شدی؟"

گفتگویی کوتاه با "دکتر عمومی" در لندن

کیوان جاوید



طبق روال معمول هر فرد میتواند در انگلیس از کمک های پزشکی رایگان برخوردار باشد. البته در کنار این اگر فرد به اندازه کافی پول داشته باشد می تواند از امکانات خصوصی پزشکی نیز بهرمنند شود. اینکه دکتر رایگان چقدر به فرد مراجعه کننده کمک می کند و یا چه اندازه جدی اش می گیرد موضوع این مطلب نیست.

بعد از گذشت نزدیک به دو سال که دکتر مرا می بیند و از همه زیر و بالای وضعیت جسمی من شنیده است، در آخرین جلسه ای که با ایشان قرار ملاقات داشتم بعد از شنیدن حرف هایم سوال کرد کجایی هستم و چرا از کشورم خارج شدم. ایرانی هستم و به دلیل اینکه فعال سیاسی بودم مجبور شدم ایران را ترک کنم.

چه نوع فعالیتی داشتی؟
فعالیت کمونیستی داشتم و به همین خاطر دستگیر شدم و سالها در زندان ماندم.
کمونیست؟ مگر در ایران کمونیست وجود دارد؟
بله زیاد هم وجود دارد.
خب چرا حالا کمونیست شدی؟
خب چی می شدم بهتر بود؟
آخر کمونیست بودن خوب نیست. شوروی را نگاه کن چقدر بد بود. در ضمن در حکومت کمونیستی آدمها دوست ندارند کار کنند.

در فرصت کمی که داشتم تصمیم گرفتم به همین دو سوالی که مطرح کرده مختصراً جواب بدهم. هر چند که می دانستم نمی شود در این مدت کوتاه جوابی همه جانبه به این سوالها داد. اشاره کردم که از اولین روزی که فعالیت سیاسی ام را شروع کردم طرفدار شوروی نبودم. کوتاه گفتم که از نظر من شوروی هرگز سوسیالیستی نبوده است و به وجود کار مزدی اشاره کردم و گفتم نقد کمونیستها به جامعه سرمایه داری این است که وسایل تولید در اختیار همگان نیست و طبقه سرمایه دار مالک وسایل تولید است. اگر با همین استدلال مارکسیستی به شوروی نگاه کنیم می بینیم که شوروی کشوری کاپیتالیستی بود. سرمایه داری ای که دولت مالک وسایل تولید بود و به کارگران در ازاء فروش نیروی کارشان مزد می داد.

نمی خواستم و فرصت هم نداشتم بحث بر سر شوروی را تخصصی کنم. به این دلیل به بخش دوم سوالات رسیدم. گفتم دوست دارم از همین انگلیس شروع کنم. و اشاره کردم چند نفر را می شناسی که در صف پیدا کردن کارند یا از این اداره به آن اداره نامه می نویسند، دنبال آشنایی در جایی می گردند که معرفشان بشود؟ از آمار بیکاران در انگلیس گفتم و اینکه پیدا کردن کار خود شغلی برای بیکاران شده و برای بسیاری رویایی دست نیافتنی. از نیروهای متخصص با تحصیلات بالا در انگلیس گفتم که بیکارند چون سرمایه داران می توانند با پرداخت روزی یک پوند

همین متخصصین را در کشورهای دیگر استخدام کنند تا مجبور نباشند ساعتی بیست پوند به متخصصی که در همین انگلیس زندگی می کند مزد بدهد. ادامه دادم چند نفر را می شناسی که به صرف اینکه در خانواده مرفه به دنیا آمده تا چند نسل بعدش هم از امکانات مادی بالای رفاهی برخوردار اند؟

بیست دقیقه ای از شروع گفتگو بین ما گذشته بود. دکتر ک هرگز بیش از پنج دقیقه ویزیت نکرده بود. اصولاً هر مراجعه کننده فقط می تواند دو مشکل یا مریضی اش را به اطلاع دکتر برساند. سومی را باید مجدداً وقت بگیرد. یادم نمی آید هرگز در چشم نگاه کرده باشد و همینکه بعد از دو سال بیادش آمده است که من از کجا و به چه دلیل به انگلیس آمدم خود نشان می دهد که کمترین علاقه ای به سرنوشت من ندارد. شاید برای مراجعه کنندگانی که در سالن انتظار نشسته بودند جای تعجب بود که چرا بر خلاف معمول یک مریض بیش از بیست دقیقه در اتاق دکتر است.

دکتر ک بعد از مکثی کوتاه گفت اگر کمونیسم این باشد که تو می گویی من با آن موافقم. اما شرطش این است که همه کار کنند. همه غیر از آنهایی که مریض هستند. گفتم انسان محصول کار است در غیر این صورت هنوز میمون بالای درخت بود و انسان با کار خلاصه اش به انسانیت خود معنا می بخشد. از آمار بالای ناراحتی روحی در میان بیکاران و پناه بردن

به الکل و مواد مخدر گفتم و به این اشاره کردم که چند نفر را شخصاً می شناسی که از کاری که می کنند ناراضی اند چون هیچ خلاقیتی در آن نمی بیند؟

همینجا چندین بار اشاره کردم که دکتر ک هرگز بیش از پنج دقیقه ویزیت نکرده بود و بعد از گذشت زمانی طولانی نمی دانست از کجا و چرا آمده ام. دلیل این برخورد نیز بسیار ساده است چون از طریق رسانه ها هر روز به دکتر ک گفته اند که اکثر بیمارانی که به تو مراجعه می کنند دروغ می گویند. دروغ می گویند چون می خواهند از امکانات اجتماعی ویژه بیماران استفاده کنند. دروغ می گویند چون تنبیل اند و دوست ندارند کار کنند. دروغ می گویند چون می خواهند کرایه خانه شان را دولت بپردازد. و همه این دلایل باعث می شود که دکتر ک به مراجعه کننده فقیر خود به چشم یک دغلاکار و حقه باز نگاه کند.

اگر فرصت داشتم به دکتر ک می گفتم بیا با هم سری به بیکاره ها بزنیم. ملکه الیزابت ها (مادر بزرگ و مادر) و پرنس چارلز و فرزندان و صف طویل دیگر از خاندان سلطنتی که به خرج کارگران زندگی افسانه ای می کنند. از کشیشها برایش مثال می زدم که در انگلیس از سر و کول جامعه بالا می روند و برای تحمل فقر به فقرآ پند و اندرز می دهند و البته خود به منابع عظیم مالی که دولت در اختیارشان می گذارد تکیه زده اند. از ارتش انگلیس می گفتم که یک نمونه از مفید بودنش برای دولت سرمایه داران این است که زمان اعتصاب کارگران آتش نشانی وارد میدان شدند و بجای کارگران آتش نشانی کار کردند تا اعتصاب این کارگران را به شکست بکشاند.

می شد به فقر مردم در آفریقا اشاره کرد و دلیل آورد مرگ و میر

میلیونی مردم در آفریقا و دیگر کشورهای موسوم به "جهان سوم" ربطی به "خشکسالی" یا "بمب جمعیت" ندارد. که ریشه در جهان سرمایه داری دارد. نظامی که میلیونها تن گندم را به دریا می ریزد تا قیمت گندم پایین نیاید. می شد از ایران گفت که چگونه بیش از بیست و هفت سال یک رژیم ضد انسانی مردم را اسیر خود کرده و برای حفظ بقای خود بیش از صد هزار نفر را کشته است. اما این نمونه ها نمی توانست دلایلی قانع کننده برای دکتر ک باشد باید قوی ترین و موفق ترین مرکز سرمایه داری به نقد کشیده می شد تا جایی برای دفاع از آن باقی نماند.

یک نکته قابل تاکید در همین گفتگو این است که بقول منصور حکمت اگر زب پست هر انسانی را پایین بکشی یک کمونیست و بلشویک پیدا می شود. باید به انسانها، هر که باشد و با هر زبانی که حرف می زنند این واقعیات ساده و انسانی را گفت. می شود و باید هر روز در هر مکان و هر زمان موضوع کار کمونیستی را پیدا کرد. می شود گوشها را بیشتر شنوا کرد و انسانهای بیشتری را از اسارت فکری و فرهنگی و سیاسی رها ساخت. مهمتر از همه باید به امکانات پیشرفته تبلیغی دسترسی پیدا کرد و به جنگ آرا حاکم رفت.

سوال این است هر کدام از ما که واقعیات جهان امروز را می دانیم روزه با چند نفر در مورد این واقعیات حرف می زنیم و جهان را برایشان توضیح می دهیم؟ آیا هرگز فکر کرده ایم که میتوان با بیست دقیقه صحبت با یک فرد اتوبی بودن و بد بودن کمونیسم را از ذهنش پاک کرد؟ اگر اینطور که من می بینم به موضوع کار کمونیستی نگاه کنیم هر روز و هر کجا موضوع کارمان را پیدا خواهیم کرد. *

آلمان حزب با ایراد یک سخنرانی، جنایات خاتمی در دوران ریاست جمهوری اش را برملا ساخت. وی در سخنرانی خود خواهان قطع روابط دیپلماتیک و سیاسی حکومت آلمان با جمهوری اسلامی شد.

این تظاهرات در سرمای زیر صفر درجه بعد از دو ساعت به پایان رسید.

**تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان**
۱۹ نوامبر ۲۰۰۵

تظاهرات مخالفین جمهوری اسلامی بر علیه حضور خاتمی در هامبورگ

با سر دادن شعارهایی نظیر "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "آزادی زندانیان سیاسی" نفرت و بیزاری خود را از رژیم ترور و جنایت جمهوری اسلامی ابراز داشتند. زمانی که ماشین حامل خاتمی به محل رسید تظاهر کنندگان به زبانهای آلمانی و فارسی یکصدا شعار سر دادند: "مرگ بر تروریست"، "خاتمی برو گمشو" و

تظاهرات را بر علیه جمهوری اسلامی در مقابل بنیاد körber در هامبورگ برپا کردند. یکی از فراخوان دهندگان این تظاهرات تشکیلات خارج کشور حزب در آلمان بود که پیش از آن با صدور اطلاعیه مردم را از جریان سفر خاتمی مطلع ساخته بود. در این گردهمایی اعتراضی تظاهرکنندگان

عصر روز جمعه ۱۸ نوامبر در شهر هامبورگ در آلمان تظاهراتی علیه حضور خاتمی رییس جمهور سابق جمهوری اسلامی برگزار شد. با اینکه دعوت کنندگان خاتمی به آلمان سعی داشتند زمان سفر او به این کشور را مخفی نگه دارند، اما مخالفین حکومت اسلامی ایران با آگاهی از انجام این سفر، یک

گزیده ای از نامه ها به انترناسیونال

نامه ای از آرش سرخ از ایران

رفیق محسن عزیز سلام
امیدوارم خوب و خوش باشی
با تشکر از فعالیتهای خوبتان در
نشریه انترناسیونال. خواستم بپرسم
چرا مدتی است چاپ انترناسیونال به
صورت پشت و رو برای داخل متوقف
شده است.

میدانید که چاپ نشریه به
صورت آ ۴ در ایران تقریباً غیر ممکن
است. به نظر من اینکه انترناسیونال
اولاً حتماً از ۴ صفحه یا حد اکثر ۸
صفحه تجاوز نکند و ثانیاً به صورت
جیبی چاپ شود نیازی فوری و
حیاتی است که باید به آن بازگشت.

به قول منصور حکمت
محدودیت صفحات نشریه یک نقطه
قدرت مهم آن است. خواننده خواندن
آن را به بعد و "سر فرصت" موکول
نمیکند.

باز هم تشکر میکنم از مقالات
خوبتان و در ضمن خواستم بپرسم
بحثیانتان راجع به مدرنیسم را جایی
پیاد کرده اید و یا فایل صوتی یا
تصویری آن هست؟

با تشکر
آرش سرخ

آرش عزیز

سلام و خسته نباشی
بخشید نتوانستم به خاطر
مسافرت جواب نامه ات را سریع
بدهم.

مرسی از بابت توجهت به
انترناسیونال و مقالاتش. بزودی
انترناسیونال ۸ صفحه ای در فرمت
پشت و رو و جیبی در سایت
انترناسیونال قرار خواهد گرفت.

نوار صوتی و تصویری بحث در
مورد سنت، مدرنیته و کمونیسم که
در آلمان ارائه شد هنوز برای قرار
گرفتن در سایت آماده نیست. سعی
میکم بزودی آماده اش کنم. اما
متن کتبی به صورت تفصیلی بزودی
آماده خواهد شد.

با تشکر از نظرات، پیشنهادات و
توجهت به نشریه انترناسیونال. و به
امید همکاری بیشتر و فعالتر.

محسن ابراهیمی

محمود از ایران مقاله ای فرستاده
اند.

محمود عزیز

مقاله مفصلت تحت عنوان
"توحش توان استقامت ندارد، مجال
به متوحشین اسلامی ندهید" رسید.
در این نوشته به خوبی توانسته اید
روحیه تعرضی جوانان در مقابل
تمایل پوچ احمدی نژاد برای
بازگرداندن دهه اختناق ۶۰ را
توضیح دهید. و همچنین نشان دهید
که هرجنیه ای از باز شدن فضا در
دوران خاتمی ربطی به خاتمی نداشت
بلکه عقب نشینی جمهوری اسلامی
در مقابل پیشروی مردم بود.

اگر ممکن است مقاله ات را
کوتاه کن و برای استفاده در شماره
های بعدی مجدداً ارسال کن.
(حداکثر ۱ صفحه و نیم با فونت ۱۴
و فاصله معمولی)

با تشکر از همکاریتان
انترناسیونال

وحید پور ساکت مطلبی تحت عنوان
"اسلام سیاسی و مناسباتش با
سرمایه داری" فرستاده اند. در این
مطلب تلاش اسلام برای رسیدن به
قدرت سیاسی تحلیل شده است.
نوشته شده است که "تمام تاریخ اسلام
از آغاز تا به امروز چیزی جز رسیدن
به مصدر قدرت، راهزنی خود پیامبر
اسلام در کویر جهت کشتن کاروانها،
به غنیمت بردن اموالشان (انفل) و
تجاوز به زنانشان (نکحه النساء)،
قصاص، سنگسار و قطع اعضای
بدن، جهاد مقدس و کشتارهای
تاریخی نبوده است. در حکومت
اسلامی ایران نیز همین شرایط حاکم
اولیه در اسلام صدق می کنند که در
آن تعصب کورکورانه دینی، فقیهیزم
و کالازدگی قشر روحانیت، دفاع از
منافع شخصی و مالکیت خصوصی،
احتکار مال و ثروت، ثروت اندوزی
برای خود و اسلافشان، خود پرستی و
خودمحوری حاکم هستند."

با تشکر از ارسال مطلب به
انترناسیونال

پیام هما ارجمند در رابطه با انتخاب او بعنوان انسان دوست سال

صف بزرگ، قدرتمند، متحد و با
افق روشن به یک وظیفه اساسی همه
انسانهای سکولار و انسان دوست بدل
شده است. جامعه برای حفظ
دستاوردهای مترقی و سکولار خود
تشنه چنین جنبشهایی است. کمپین
بین الممللی علیه دادگاههای
اسلامی یکی از این کوششها بود.
پیروزی این کمپین که با حمایت
وسیع در مقیاس بین الممللی بدست
آمد نشان داد که میتوان و باید به
این انتظار به حق جامعه پاسخ داد.
یکبار دیگر از انتخاب من
بعنوان انسان دوست نمونه (سال)
عمیقاً تشکر میکنم و برای همه شما
شادی و پیروزی را آرزو میکنم.

آن در این دو سال گذاشته قرار داشته
ام همیشه در سطوح مختلف از
حمایتهای بیدریغ سازمان شما و
اعضای عزیزش برخوردار بوده است.
یک عامل پیشرفت و پیروزی ما در
طول این مبارزه سخت حضور
اعضای انجمن انسان دوستی کانادا
در صف اول کمپین ما بود. این را نه
من، نه دیگر اعضای این کمپین و نه
دنیا از یاد میبرد.

امروز دنیا به سمتی چرخیده
است و یا قدرتها و دولتها آن را به
سمتی چرخانده اند که مبارزه علیه
دخالت مذهب در جامعه و دولت به
یک جدال سنگین و تعیین کننده ای
بدل شده است. از این رو ایجاد یک

افتخار بزرگی است که به عنوان
انسان دوست نمونه (سال) از طرف
سازمان شما، انجمن انسان دوستی
کانادا، انتخاب شده ام. این عمل
نهاد شما جدا از این که به اشخاصی
چون من قدرت عظیمی در پیشبرد
مبارزه خود برای تقویت ترقی خواهی
و سکولاریسم میبخشد بلکه صف
انسانهای آزاده و مخالفین دخالت
مذهب در زندگی مردم را استحکام
میبخشد. از این رو به سهم خود این
اقدام شما را ارج میگذارم و بدان
مباهات میکنم که به چنین افتخاری
دست یافته ام.

کمپین بین الممللی علیه
دادگاههای اسلامی که من در راس

قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب: چهارشنبه ۶ بعد از ظهر بوقت تورنتو
حجم مطلب: ۱ صفحه و نیم آ ۴، فونت ۱۶، فاصله نورمال (word)

**مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در
شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.**

گرامی باد چهاردهمین سالگرد

تشکیل حزب کمونیست

کارگری ایران!

سخنرانی، موسیقی و شام

سخنران: حمید تقوایی

لیدر حزب کمونیست کارگری

شنبه ۲۶ نوامبر ساعت ۷ عصر

ورودی ۱۰ دلار

58 Cecil Ave/ Cecil Community center
(college&Spedina)

حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا

چهاردهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست
کارگری ایران را در لندن گرامی بداریم!

برنامه شامل:

نمایش فیلمی از سخنرانی های منصور حکمت
سخنرانی اصرار گرایی، از دکتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
و موزیک

در مراسم بزرگداشت چهاردهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری
ایران شرکت کنید.

لندن - شنبه، ۳ دسامبر ۲۰۰۵

ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر

Weston Rise Community Center

187 Pentonville Road, London, N1

نزدیکترین ایستگاه قطار: کینگز کراس

غذا و مشروب با قیمت مناسب در محل به فروش میرسد.

برای اطلاعات بیشتر متوالید با شماره تلفن و یا ایمیل آدرس زیر تماس بگیرید.
wpiengland@yahoo.co.uk 07950 924434

لیست کمک مالی به حزب

مائثال موسی وند ۲۶۰ کرون

سوئد:

واحد حزب در مالمو ۸۵۰ کرون

اسپانسر:

رحیم یزدانپرست ۲۰۰ کرون

نرگس زنگنه ۱۰۰

صابر نوری ۱۰۰۰

پروین شاعری ۱۰۰

فاطمه میلانی ۱۰۰۰

آلمان:

لوسندار حزب ۵۰ یورو

سعید اصلی ۱۰

واحد پادبورن ۴۰

کمینه کلن ۲۵۰

حبیب نصوحی ۵۰

رامین تقی پور

از میز مالی اطلاعاتی ۳۰

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران